



بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه نگرش نسبت به دانش پژوهی آموزشی در برنامه‌های

توانمندسازی از دیدگاه اعضای هیئت علمی

فاطمه کشمیری^۱، شکیباالسادات طباطبایی^{۲*}

چکیده

مقدمه: در مطالعه حاضر، بررسی ویژگی‌های روانسنجی ابزار سنجش نگرش نسبت به دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی با محوریت منتورینگ انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شده است. جهت بررسی روایی محتوایی و صوری نسخه فارسی پرسشنامه Jackson و همکاران (۲۰۰۵) از تکنیک Delphi استفاده شد. تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه برای اولین بار انجام شده است. انسجام درونی با استفاده از آلفای کرونباخ و تکرارپذیری با استفاده از ICC (Intraclass correlation coefficient) محاسبه گردید.

نتایج: روایی صوری و محتوایی ابزارهای مورد استفاده تأیید شد. نتایج حاصل از محاسبه نسبت روایی محتوا نشان داد که همه گویه‌های پرسشنامه بر اساس جدول لاوشه (Lawshe)، در این شاخص، مقادیر بالاتر از ۰/۴۹ کسب کردند. بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، سازه‌های پرسشنامه «خودکارآمدی» و «انگیزه مندی» گزارش شد. در این مطالعه، اعتبار پرسشنامه در محیط بررسی با انسجام درونی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ و ثبات ICC = ۰/۸۹ تأیید شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأیید اعتبار پرسشنامه در محیط مورد بررسی، می‌توان در مطالعات مرتبط با ارزیابی برنامه‌های آموزشی-حمایتی توانمندسازی اعضای هیئت علمی از این پرسشنامه استفاده کرد. در مطالعه حاضر، دو عامل خودکارآمدی و انگیزه مندی تعیین شد که به اهمیت انگیزه‌ی اعضای هیئت علمی به عنوان عامل محرک آن‌ها برای شروع و ادامه طرح‌های دانش پژوهی آموزشی اشاره دارد. همچنین عامل خودکارآمدی به افزایش باور افراد برای توانایی انجام پروژه‌های دانش پژوهی آموزشی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: دانش پژوهی آموزشی، منتورینگ، روانسنجی، توانمندسازی اعضای هیئت علمی

۱- دانشیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیکی: Tbshakiba@gmail.com

* (نویسنده مسئول): تلفن: ۹۸۹۱۳۵۲۰۷۰۹۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

مقدمه

با توسعه رویکردها و تکنولوژی‌ها در سیستم‌های آموزش پزشکی، رشد توانمندی‌های اعضای هیئت علمی امری مهم برای توسعه آموزش در طول زندگی حرفه‌ای اطلاق می‌شود (۱). امروزه سیستم دانشگاهی با چالش‌های متعددی رو به رو است که برای رویارویی با این چالش‌ها لازم است از رویکرد سنتی معلم‌محور به رویکرد یادگیرنده‌محور حرکت کند (۲). این تغییرات که اساس آن مبتنی بر به اشتراک‌گذاری دانش و یادگیری متقابل است، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر دانش‌پژوهی آموزشی داشته باشد (۳، ۲). دانش‌پژوهی آموزشی جزء جدایی‌ناپذیر تحول آموزش پزشکی است (۴). برنامه‌های حمایتی مانند برنامه‌های توانمندسازی، برنامه‌های مشاوره‌ای و منتورینگ در حوزه پژوهش و دانش‌پژوهی آموزشی مورد توجه است. در این مطالعه استفاده از رویکرد منتورینگ به عنوان برنامه حمایتی مورد توجه بود.

دانش‌پژوهی آموزشی به عنوان یکی از مفاهیم مطرح‌شده در دهه‌های اخیر (۵) دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقدامات علمی در فرآیند یاددهی-یادگیری تعریف می‌شود. این مفهوم، فرایندی پویا، فراارشته‌ای بوده (۶) و دربرگیرنده کاربرد دانش و شواهد مربوط به آموزش در فرایند یاددهی و یادگیری، نقد آموزش مبتنی بر شواهد و مداخلات آموزشی هدفمند، به اشتراک‌گذاری نتایج و عقاید با سایرین (۵)، بازخورد عمیق مستمر و تعامل متعهدانه است (۶).

منتورینگ به عنوان یکی از رویکردهای کلیدی در توسعه توانمندسازی اعضای هیئت علمی برای ایفای موفق نقش‌های آکادمیک (۷) می‌تواند ابزاری ارزشمند برای افزایش مهارت‌های آموزشی آنان باشد و به نوبه خود محیط یادگیری آموزش عالی را بهبود بخشد (۸، ۶). روش توانمندسازی براساس رویکرد مشاوره‌ای-منتورینگ به عنوان یک رابطه بین‌فردی تعریف می‌شود که در آن افراد متبحر، خدمات مشاوره‌ای و حمایتی را برای توسعه فردی اساتید کم‌تجربه در حوزه‌های مختلف مانند آموزش، پژوهش و حمایت شغلی ارائه می‌دهند (۹). به طور کلی می‌توان گفت منتورینگ می‌تواند برنامه‌ای برای راهنمایی

اساتید جوانی باشد که مسیر شغلی خود را بر دانش‌پژوهی متمرکز کرده‌اند (۱۰). لذا امروزه این برنامه‌ها به یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های توانمندسازی اعضای هیئت علمی (۱۰)، از جمله دانش‌پژوهی آموزشی تبدیل شده است. این برنامه‌ها که روشی مناسب برای بهبود رشد و توسعه حرفه‌ای ارائه می‌دهد، می‌تواند توانمندی‌های آموزشی و دانش‌پژوهی آموزشی را برای اعضای هیئت علمی به حداکثر برساند (۲).

نیاز به پاسخگویی به تغییرات و بهبود کیفیت در توسعه آموزش لزوم رشد نقش دانش‌پژوهی آموزشی را در بین اساتید افزایش داده است. نقش دانش‌پژوهی آموزشی به اساتید کمک می‌کند تا مهارت‌های خود را برای بهبود کیفیت آموزش و توسعه رویکردهای نوین در فرایند آموزشی رشد دهند. لذا لازم است در برنامه‌های توانمندسازی بر رشد مهارت‌های دانش‌پژوهی متمرکز شوند. با توجه به ماهیت دانش‌پژوهی آموزشی لازم است برنامه‌های توانمندسازی براساس رویکرد آموزش مبتنی بر محل کار و مسئله محور با مکانیسم‌های حمایتی مشاوره‌ای در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که دانشگاه مورد بررسی برنامه‌های توانمندسازی عمدتاً بر رشد دانش اساتید متمرکز دارند و کمتر فرصتی برای رشد مهارت‌های علمی در حوزه توسعه آموزش را فراهم می‌کند. از طرفی نیز با توجه به اهمیت دانش‌پژوهی آموزشی به عنوان یکی از توانمندی‌های اساسی اعضای هیئت علمی، لازم است ابزاری کارآمد برای سنجش نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به دانش‌پژوهی آموزشی در برنامه‌های حمایتی/توانمندسازی فراهم شود تا بتوان ارزیابی درستی برای ادامه و یا اصلاح برنامه‌های تدارک دیده شده در جهت رشد اعضای هیئت علمی گرفت. لذا در مطالعه حاضر، با هدف بررسی ویژگی‌های روانسنجی ابزار سنجش نگرش نسبت به دانش‌پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی انجام شده است.

روش کار

مطالعه حاضر به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) است که در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شده است و در کمیته اخلاق مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی با کد ۹۸۱۰۳۹ مورد تأیید قرار گرفته است.

ابزار مطالعه

پرسشنامه توسط Jackson و همکاران در سال ۲۰۰۵ طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۸ سوال است. نحوه نمره‌دهی این پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. این پرسشنامه با هدف سنجش نگرش نسبت به موضوع پژوهش بعد از شرکت در برنامه‌های آموزشی طراحی شده بود. در مطالعه حاضر، برنامه‌های آموزشی در حوزه دانش‌پژوهی مورد توجه قرار گرفت. گویه‌های پرسشنامه در این حوزه تطبیق داده شد.

روانسنجی ابزار: در مطالعه حاضر برای پرسشنامه‌ی مذکور، فرایند روانسنجی انجام شد. فرایند ترجمه و بازترجمه توسط دو متخصص مسلط به زبان فارسی و انگلیسی انجام شد. نسخه‌های ترجمه شده مقایسه شد و نسخه اولیه فارسی پرسشنامه مذکور تدوین شد. نسخه مذکور توسط متخصصین آموزش پزشکی (۲ نفر) مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت نسخه نهایی ترجمه شد. در گام بعدی، نسخه فارسی شده پرسشنامه، به زبان اصلی ترجمه شد (بازترجمه) و برای تأیید به متخصص زبان انگلیسی ارسال شد. بعد از تطابق نسخه باز ترجمه بر اساس نسخه اصلی، نظرات وی در تیم تخصصی مورد بررسی و اصلاحات انجام شد. در نهایت نسخه فارسی پرسشنامه مذکور تأیید شد.

به منظور بررسی روایی محتوایی و صوری نسخه فارسی پرسشنامه‌ی مذکور از تکنیک دلفی استفاده شده است. این تکنیک با شرکت اعضای هیئت علمی آموزش پزشکی (۱۵ نفر) در ۳ راند اجرا شد. در راند اول نسخه فارسی پرسشنامه برای متخصصین ارسال شد تا نظرات آنان در رابطه با روایی محتوایی

پرسشنامه به صورت کیفی مورد بررسی قرار گیرد. پس از دو هفته از اجرای هر راند، نظرات افراد جمع‌آوری و بعد از سازماندهی مجدد برای اجرای راند بعدی ارسال شد. اجرای این تکنیک تا سه راند ادامه یافت تا در راند سه کد جدید ارائه نشد. در این مرحله روایی محتوایی کیفی، نسخه فارسی پرسشنامه تأیید شد. برای تعیین روایی محتوا به روش کمی از دو شاخص "نسبت روایی محتوا ((Content Validity Ratio (CVR و "شاخص روایی محتوا (Validity Content Index (CVI)) استفاده شد. برای تعیین نسبت روایی محتوا از متخصصین مذکور درخواست شد تا هر گویه را بر اساس طیف سه درجه‌ای (ضروری است، مفید است ولی ضروری نیست و ضرورتی ندارد) بررسی نمایند. بر اساس جدول لاوشه حداقل ارزش نسبت روایی محتوا تعیین شد (۱۵). در شاخص روایی محتوایی، معیار ارتباط برای هر یک از گویه‌های ابزارهای مذکور با استفاده از طیف چهار درجه‌ای (خیلی زیاد (۴)، زیاد (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) مورد بررسی قرار گرفت (۱۶).

تحلیل عاملی اکتشافی: تحلیل عاملی اکتشافی، به محقق این امکان را می‌دهد تا ابعاد اصلی ابزار را برای تولید نظریه یا مدل از مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ از سازه‌های نهفته که اغلب توسط مجموعه‌ای از موارد ارائه می‌شود، کشف کند (۱۱). نظر به اهمیت تبیین سازه‌های پرسشنامه و پیچیدگی این مفهوم، در مطالعه حاضر تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه برای اولین بار انجام شد. در تحلیل عاملی اکتشافی کیفیت نمونه‌گیری بر اساس شاخص Kaiser-Mayer-Olkin (KMO) ارزیابی شد. همچنین آزمون Bartlett's test of sphericity جهت مناسب بودن داده انجام شد. از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و دوران متعامد واریماکس (Varimax Rotation) جهت شناخت ابعاد مقیاس‌ها استفاده شد. در این مرحله ۶۰ نفر از اساتید شرکت‌کننده در برنامه‌های حمایتی/توانمندسازی پرسشنامه‌ها را به صورت خوداظهاری تکمیل کردند.

انسجام درونی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و تکرارپذیری با استفاده از آزمون Interclass Coefficient

(ICC) محاسبه شد. در این مرحله ۴۰ نفر از اساتید شرکت کننده در برنامه‌های حمایتی دانش‌پژوهی آموزشی شرکت داشتند که شامل ۲۰ نفر زن و ۲۰ نفر مرد بودند.

نتایج

با توافق کلیه شرکت‌کنندگان روایی صوری و محتوایی ابزارهای مورد استفاده در مطالعه حاضر تأیید شد. نتایج حاصل از محاسبه نسبت روایی محتوا (CVR) نشان داد همه گویه‌های پرسشنامه بر اساس جدول لاوشه، در این شاخص مقادیر بالاتر از ۰/۴۹ را کسب کردند. در پرسشنامه گویه‌های مورد ارزیابی در شاخص روایی محتوا (CVI) مقادیر بالاتر از ۰/۷۹ کسب کردند و در پرسشنامه حفظ شدند. در نهایت روایی کمی و کیفی پرسشنامه تأیید شد.

پایایی پرسشنامه با انسجام درونی Cronbach's alpha = ۰/۹۳ و ثبات پرسشنامه ICC = ۰/۸۹ تأیید شد.

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش نسبت به دانش‌پژوهی آموزشی

طبقه		
خودکارآمدی	انگیزه‌مندی	
۰.۸۸۵		۱. نگرش من نسبت به دانش‌پژوهی آموزشی بهبود یافته است.
۰.۸۸۲		۳. توانایی من برای انجام فعالیت‌های دانش‌پژوهی آموزشی بهبود یافته است.
۰.۸۴۰		۵. توانایی من برای همکاری در زمینه دانش‌پژوهی آموزشی بهبود یافته است.
۰.۸۴۴		۲. علاقه من به دانش‌پژوهی آموزشی افزایش یافته است.
۰.۸۹۵		۴. علاقه من به همکاری در فعالیت‌های دانش‌پژوهی آموزشی افزایش یافته است.
۰.۸۰۹		۶. برای آغاز کردن سایر پروژه‌های دانش‌پژوهی آموزشی انگیزه پیدا کردم.
۰.۸۲۹		۷. برای ادامه یک پروژه دانش‌پژوهی آموزشی که قبلاً شروع کرده بودم، انگیزه پیدا کردم.
۰.۷۷۸		۸. انگیزه پیدا کردم پروژه دانش‌پژوهی آموزشی را که قبلاً شروع کرده بودم، به پایان برسانم.

بحث

بخش است. سنجش نگرش نسبت به دانش‌پژوهی آموزشی اعضای هیئت علمی می‌تواند در تعیین تأثیر برنامه‌های آموزشی و تغییر رفتار آن‌ها مؤثر باشد. لذا در مطالعه حاضر ویژگی‌های

ارزشیابی برنامه‌های حمایتی که در جهت برنامه‌های توسعه ای توانمندسازی اعضای هیئت علمی در حوزه‌های مختلف مانند دانش‌پژوهی آموزشی برگزار می‌شود، یکی از مهمترین

روانسنجی ابزار سنجش نگرش اعضای هیئت علمی در برنامه حمایتی مشاوره‌ای با رویکرد منتورینگ تأیید شده است.

نتایج حاصل از روایی محتوا نشان داد همه گویه‌های پرسشنامه بر اساس جدول لاوشه، در این شاخص وضعیت مطلوبی کسب کردند. در نهایت روایی پرسشنامه تأیید شد. پایایی پرسشنامه با انسجام درونی و ثبات پرسشنامه تأیید شد که همسو با نتایج مطالعه جکسون و همکاران، پایایی پرسشنامه مطلوب گزارش شد.

نگرش نسبت به دانش پژوهی آموزشی یکی از اساسی‌ترین ساختارهای تأثیرگذار بر عملکرد اعضای هیئت علمی است. بدون تغییر در نگرش، انگیزه برای شروع یک پروژه و تغییر رفتار حاصل نمی‌شود. بهبود نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به دانش پژوهی آموزشی، اولین چیزی است که باید در هنگام تلاش برای تشویق فعالیت‌های دانشورانه در بین اعضای هیئت علمی ایجاد شود (۱۲). در این مطالعه از پرسشنامه طراحی شده جکسون و همکاران (۲۰۰۵) برای ارزیابی نگرش در کمیته دانش پژوهی استفاده شد. در این مطالعه بررسی‌های توزیع هنجاری نشان داد که اکثر اعضای هیئت علمی «موافق» یا «کاملاً موافق» بودند که حضور در برنامه‌های دانش پژوهی به آنها کمک کرد تا نگرش خود را نسبت به دانش پژوهی بهبود بخشند و هیچ‌کدام مخالفت خود را نسبت به این گویه اعلام نکردند (۱۲).

از طرفی نیز در جامعه دانشگاهی از اعضای هیئت علمی انتظار می‌رود که در زمینه‌های مختلف تدریس، پژوهش و خدمات حرفه‌ای کارآمد باشند. اکثر اعضای هیئت علمی، علاوه بر مسئولیت‌های آموزشی و خدمات حرفه‌ای لازم است به دانش پژوهی آموزشی نیز بپردازند (۱۳). تأکید بر این گونه کارآمدی‌ها به این دلیل است که چنین بهره‌وری به پیشینه علمی و حرفه‌ای کمک می‌کند و هم برای فرد محقق و هم برای مؤسسه اعتبار به همراه خواهد داشت (۱۴). در مطالعه اراها و همکاران (۲۰۱۶) مانع اصلی برای بهره‌وری بهتر دانش پژوهی، نبود آموزش کافی و عدم آگاهی از فرصت‌ها و مزایای دانش

پژوهی است. آن‌ها بیان کردند که افزایش بهره‌وری دانش پژوهی، دامنه دانش را افزایش داده و به نوبه خود باعث می‌شود اعضای هیئت علمی بهتری داشته باشند. علاوه بر این، افزایش بهره‌وری دانش پژوهی نیز وضعیت دانشگاه‌ها را در جامعه دانشگاهی جهانی بهبود می‌بخشد (۱۵).

بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، مدل اندازه‌گیری شده شامل سوالات با بارعاملی معنی‌دار است و سازه‌های پرسشنامه "خودکارآمدی" و "انگیزه‌مندی" گزارش شد. در مطالعه حاضر یکی از صفاتی که از طریق بارعاملی به دست آمد طبقه خودکارآمدی بود. خودکارآمدی، باور فرد در توانایی انجام یک فعالیت تعریف می‌شود و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های تغییر رفتار محسوب می‌شود. نتایج نشان داد ۳ سوال در این طبقه قرار گرفتند. در تحلیل عاملی محاسبه شده برای پرسشنامه حاضر، سه گویه ۱، ۳ و ۵ در زیرمجموعه عامل "خودکارآمدی" قرار گرفت. گویه شماره ۱ به بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به دانش پژوهی آموزشی و گویه‌های ۳ و ۵ به ترتیب به بررسی بهبود توانایی اعضای هیئت علمی برای انجام فعالیت‌های دانش پژوهی آموزشی و همکاری در زمینه دانش پژوهی آموزشی می‌پرداخت. این گویه‌ها که به بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به دانش پژوهی آموزشی و همچنین توانایی آن‌ها در انجام و همکاری در پروژه‌های دانش پژوهی طراحی شده بود به عنوان بخش مهمی از احساس کارآمدی افراد قلمداد شد. جکسون و همکاران (۲۰۰۵) بیان کردند گویه شماره ۱ برای ارزیابی تغییر درک شده اعضای هیئت علمی درباره نگرش نسبت به پژوهش طراحی شده بود و توزیع هنجاری آن‌ها را نشان داد که اکثر اعضای هیئت علمی «موافق» یا «کاملاً موافق» هستند که حضور در برنامه‌های دانش پژوهی به آنها کمک کرده است تا نگرش خود را نسبت به دانش پژوهی بهبود بخشند و هیچ‌کدام مخالفت خود را نسبت به این گویه اعلام نکردند. در مطالعه وی گویه‌های ۳ و ۵ برای ارزیابی تغییر اعضای هیئت علمی در توانایی همکاری (مورد ۵) و شرکت در پروژه‌های علمی (مورد ۳) طراحی شده بود (۱۲).

طبقه دوم که در مطالعه حاضر از طریق تحلیل عاملی تعیین شد انگیزه‌مندی بود. برنامه‌های حمایتی، لازم است بتوانند برای انجام فعالیت‌های دانش‌پژوهی آموزشی ایجاد انگیزه کنند. اراها و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود بیان کردند که دانشگاه‌ها باید بر تلاش و امکانات لازم برای ایجاد انگیزه و علاقه در اعضای هیئت علمی جهت انجام فعالیت‌های دانش پژوهی بیشتر تأکید کنند (۱۵). در مطالعه جکسون و همکاران (۲۰۰۵) نیز اعضای هیئت علمی گروه دریافتند که تلاش‌های کمیته پژوهش تأثیر مثبتی بر نگرش‌ها و توانایی‌های آنها در مورد پژوهش داشته است و حضور در برنامه‌های پژوهشی علاقه آنها را به مشارکت در فعالیت‌های دانش‌پژوهی و همکاری آنها در اینگونه فعالیت‌ها را افزایش داده و در کاهش نگرانی‌ها و افزایش علاقه و انگیزه به فعالیت‌های علمی مفید بوده است (۱۲).

در مطالعه حاضر گویه‌های ۲، ۴، ۶، ۷، ۸ طبقه "انگیزه‌مندی" قرار گرفت، این سوالات به بررسی علاقه و انگیزه اعضای هیئت علمی برای آغاز و ادامه‌دادن طرح‌های دانش پژوهی آموزشی می‌پرداخت. به بیان جکسون و همکاران (۲۰۰۵) موارد ۲ و ۴ برای ارزیابی علاقه اساتید به مشارکت و همکاری در فعالیت‌های پژوهشی پس از شرکت در برنامه‌های حمایتی مرتبط طراحی شد. حضور در برنامه‌های دانش‌پژوهی علاوه بر افزایش علاقه آنها به مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی، همکاری آنها در اینگونه فعالیت‌ها را نیز افزایش می‌دهد. این یافته‌ها می‌تواند به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمالی افزایش بهره‌وری در آینده در حوزه پژوهش نیز قلمداد شود. گویه‌های ۲ و ۴ می‌تواند موید هنجارهای اجتماعی و فعالیت‌های دانش پژوهی منتج از برنامه‌های حمایتی/ توانمندسازی باشد. (۱۲). در مطالعه وی گویه‌های ۶ و ۷ برای ارزیابی انگیزه اساتید برای شروع پروژه‌های جدید علمی (گویه ۶) و برای ادامه پروژه‌هایی که قبلاً آغاز شده بودند (گویه ۷) طراحی شده بودند. به بیان

آنها شکاف‌های سلسله مراتبی بین گویه ۷ (انگیزه برای اتمام پروژه‌ای که قبلاً شروع شده است) پرداخته شد. در این گویه‌ها هر دو بعد از اتمام پروژه‌های قبل و آغاز پروژه جدید مورد توجه قرار گرفته است. براساس مطالعه جکسون در گویه‌های ۲ و ۶ به شکاف بین قصد انجام فعالیت پژوهشی و تمایل واقعی برای انجام پروژه جدید می‌پردازد که می‌تواند ناشی از جنبه‌های هنجارهای اجتماعی باشد. در گویه ۸ نیز به مجموعه عوامل انگیزشی و هنجارهای اجتماعی برای تکمیل پروژه‌های دانش پژوهی پرداخته است (۱۲).

نتیجه گیری

در سال‌های اخیر رشد مهارت‌های دانش‌پژوهی اعضای هیئت علمی در سیستم‌های آموزشی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد پرسشنامه‌ای که توسط جکسون و همکاران طراحی شده بود در محیط مورد بررسی اعتبار لازم را دارد. در مطالعه حاضر گویه‌ها در دو عامل خودکارآمدی و انگیزه‌مندی قرار گرفت که می‌توان گفت این نتایج نشان‌دهنده اهمیت ویژه انگیزه اعضای هیئت علمی به عنوان عامل محرک آنها برای شروع و ادامه طرح‌های دانش پژوهی آموزشی است و عامل خودکارآمدی نیز نشان‌دهنده باور افراد برای طراحی و اجرای یک پرونده دانش‌پژوهی آموزشی است. با توجه به اینکه روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر تأیید شده است، از این پرسشنامه می‌توان در ارزیابی برنامه‌های حمایتی/ توانمندسازی در محیط مورد بررسی استفاده کرد.

تشکر و قدردانی

این مطالعه با حمایت مالی مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، تهران، ایران با شماره ۹۸۱۰۳۹ انجام شده است.

References

1. Zambrana RE, Ray R, Espino MM, Castro C, Douthirt Cohen B, Eliason J. *"Don't leave us behind" The importance of mentoring for underrepresented minority faculty*. American Educational Research Journal 2015; 52(1): 40-72.
2. Cordie LA, Brecke T, Lin X, Wooten MC. *Co-Teaching in Higher Education: Mentoring as Faculty Development*. International journal of teaching and learning in higher education 2020; 32(1): 149-58.
3. Cassard A, Sloboda B. *Leading the Charge for SoTL--Embracing Collaboration*. InSight: A Journal of Scholarly Teaching 2014; 9: 44-53.
4. Van Melle E, Lockyer J, Curran V, Lieff S, St Onge C, Goldszmidt M. *Toward a common understanding: supporting and promoting education scholarship for medical school faculty*. Medical education 2014; 48(12): 1190-200.
5. Moradi E, Bigdeli S, Soltani Arabshahi SK, Mirhosseni F. *Agreement between colleagues: A fundamental and forgotten principle in writing the educational scholarship*. Iranian Journal of Medical Education 2020; 20: 481-3. [Persian]
6. Mirhosseini F, Mehrdad N, Bigdeli S, Peyravi H, Khoddam H. *Exploring the concept of scholarship of teaching and learning (SoTL): Concept analysis*. Medical journal of the Islamic Republic of Iran 2018; 32: 96.
7. Geraci SA, Thigpen SC. *A review of mentoring in academic medicine*. The American journal of the medical sciences 2017; 353(2): 151-7.
8. Friend M, Cook L, Hurley-Chamberlain D, Shamberger C. *Co-teaching: An illustration of the complexity of collaboration in special education*. Journal of educational and psychological consultation 2010; 20(1): 9-27.
9. Kram KE. *Phases of the mentor relationship*. Academy of Management journal 1983; 26(4): 608-25.
10. Kohn H. *A mentoring program to help junior faculty members achieve scholarship success*. American journal of pharmaceutical education 2014; 78(2).
11. Williams B, Onsmann A, Brown T. *Exploratory factor analysis: A five-step guide for novices*. Australasian journal of paramedicine 2010; 8(3).
12. Jackson TL, McCord AD, Dahdal WY, Zgarrick DP, Brock KA. *The Use of a Scholarship Committee to Foster Scholarly Growth of Pharmacy Practice Faculty*. American Journal of Pharmaceutical Education 2005; 69(5).
13. Lechuga VM, Lechuga DC. *Faculty motivation and scholarly work: Self-determination and self-regulation perspectives*. Journal of the Professoriate 2012; 6(2).
14. Hardré PL, Beesley AD, Miller RL, Pace TM. *Faculty Motivation to do Research: Across Disciplines in Research-Extensive Universities*. Journal of the Professoriate 2011; 5(1).
15. Alrahlah AA. *The impact of motivational factors on research productivity of dental faculty members: A qualitative study*. Journal of Taibah University Medical Sciences 2016; 11(5): 448-55.

فرم نظرسنجی کلینیک مشاوره‌ای با محوریت دانش پژوهی آموزشی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	مخالف	کاملاً مخالف
۱. نگرش من نسبت به دانش پژوهی آموزشی بهبود یافته است.					
۲. علاقه من به دانش پژوهی آموزشی افزایش یافته است.					
۳. توانایی من برای انجام فعالیت‌های دانش پژوهی آموزشی بهبود یافته است.					
۴. علاقه من به همکاری در فعالیت‌های دانش پژوهی آموزشی افزایش یافته است.					
۵. توانایی من برای همکاری در زمینه دانش پژوهی آموزشی بهبود یافته است.					
۶. برای آغاز کردن سایر پروژه‌های دانش پژوهی آموزشی انگیزه پیدا کردم.					
۷. برای ادامه یک پروژه دانش پژوهی آموزشی که قبلاً شروع کرده بودم، انگیزه پیدا کردم.					
۸. انگیزه پیدا کردم پروژه دانش پژوهی آموزشی را که قبلاً شروع کرده بودم، به پایان برسانم.					

items	Strongly Disagree	Disagree	Tend to Disagree	Tend to Agree	Agree	Strongly Agree	missing
1. My attitude toward scholarship has improved							
2. My interest in scholarship has increased							
3. My ability to engage in scholarship is improved							
4. My interest in collaborating on scholarship has increased							
5. My ability to collaborate on scholarship has improved							
6. I have been inspired to begin an additional scholarly project							
7. I have been inspired to continue a scholarly project I began previously							
8. I have been inspired to finish a scholarly project I began previously							

Evaluation of Psychometric Properties of the Questionnaire of Attitude on Educational Scholarship in Faculty Development Programs from the viewpoint of Faculty Members

Keshmiri F (Ph.D)¹, Tabatabaee S.Sh (Ph.D Candidate)^{2*}

¹ Associate Professor, School of Health, Department of Medical Education, Medical Education and Development Center, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

² PhD Candidate in psychology, Kish international Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 07 May 2022

Revised: 11 May 2022

Accepted: 28 May 2022

Abstract

Introduction: The aim of the present study was to assess the psychometric properties of the tool for evaluating attitudes toward educational scholarship from the perspective of faculty members in empowerment programs.

Method: The present study is a cross-sectional (descriptive-analytical) study, conducted at Shahid Sadoughi University of Medical Sciences. The Delphi technique was used to evaluate the content and face validity of the Persian version of the questionnaire of Jackson et al 2005. Exploratory factor analysis of the questionnaire was performed for the first time. Internal Consistency test and reproducibility was calculated using Cronbach's alpha, ICC test, respectively.

Results: The results of content validity showed that all items of the questionnaire based on the Lawshe table had values greater than 49.0. Quantitative and qualitative validity of the questionnaire was confirmed. The results of confirmatory factor analysis showed that the items were categorized into two categories: self-efficacy and motivation. The reliability of the questionnaire was confirmed by the internal consistency with Cronbach's alpha = 0.93 and ICC = 0.89 of the questionnaire.

Conclusion: The results confirmed the validity of tool. Therefore this tool could be useful for the evaluation of supportive-educational programs to empower faculty members. In the present study, two factors of self-efficacy and motivation were identified that point to the importance of motivating faculty members that encourages them to start and continue educational research projects. The self-efficacy factor also increases people's belief in the ability to carry out educational research projects.

Keywords: Educational scholarship, mentoring, psychometrics, faculty member development

This paper should be cited as:

Keshmiri F, Tabatabaee S.Sh. *Evaluation of Psychometric Properties of the Questionnaire of Attitude on Educational Scholarship in Faculty Development Programs from the viewpoint of Faculty Members*. J Med Edu Dev; 17 (1): 57 - 65.

*** Corresponding Author: Tel: +989135207095, Email: Tbshakiba@gmail.com**